

تبیین الگوی مفهومی نقش آفرینی زنان در تحقق تمدن نوین اسلامی

زینب یاسری *

کارشناس ارشد برنامه ریزی رفاه اجتماعی، دانشگاه علامه طباطبایی

نفیسه اخوان نیلچی

کارشناس ارشد روابط بین الملل دانشگاه شهید بهشتی

چکیده

در طول تاریخ زنان عناصری موثر در تغییر ارزش‌ها، باورها و رفتارهای جامعه دانسته شده و می‌شوند. زن به واسطه جایگاه تربیتی‌اش، محور کلیدی خانواده است و خانواده به عنوان مهم‌ترین عنصر نظام اجتماعی و هسته بنیادین تحولات آن، نهاد فعال جامعه‌ساز تلقی می‌شود؛ بنابراین زن در خانواده نقش بی‌بدیلی در انتقال تکامل‌گرایی به افراد خانواده و با واسطه به جامعه ایفا می‌نماید. انقلاب اسلامی به عنوان نقطه عطف تاریخ تکامل اجتماعی بشر و طبیعه تمدن اسلامی به شمار می‌رود. ظرفیت‌سازی و زمینه‌سازی برای ایجاد تمدن اسلامی و نظام توحیدی افق پیش روی انقلاب اسلامی است. این مهم از طریق پی‌ریزی کلیه مناسبات فرهنگی، سیاسی، اقتصادی مبتنی بر مبانی اسلامی و با توجه ویژه به موضوع زنان و خانواده محقق می‌شود. براین اساس، هدف اصلی این تحقیق بررسی چیستی و چگونگی نقش آفرینی زنان در ایجاد تمدن نوین اسلامی از طریق استخراج طراحی الگوی نقش آفرینی زنان در این تمدن است؛ لذا با استفاده از روش تحلیل مفهومی و سپس الگویابی روشن می‌شود که شکوفایی تمدن اسلامی از مسیر گسترش بیداری در عالم، بواسطه اراده‌های انسانی محقق می‌شود. در این میان زنان نقش کلیدی تری نسبت به سایر احاد جامعه دارند؛ چرا که زن انسان‌ساز و جامعه‌ساز نیز هست. این پژوهش با ارائه مدل نقش آفرینی زنان در تمدن اسلامی چیستی این نقش آفرینی را تحلیل مفهومی نموده و بوسیله آن چگونگی ایفای نقش زنان در ایجاد تمدن اسلامی را الگویابی و تبیین می‌کند.

واژگان کلیدی: تمدن نوین اسلامی، الگوی نقش آفرینی زن، انقلاب اسلامی، زن.

تاریخ دریافت: ۱۳۹۶/۱۱/۱۲ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۷/۲/۱۰

* (نویسنده مسئول: yaseri.135@gmail.com)

مقدمه

تاریخ تکامل اجتماعی بشر بر محور خالقیت و ربوبیت حضرت حق و در بستر ظهور و بروز اراده‌های انسانی به سوی برپایی حاکمیت حق پیش می‌رود. تا پیش از برپایی حکومت جهانی حق و عدالت در مسیر تحقق تکامل بشر، فلسفه تاریخ شامل دو جریان پرستش اجتماعی و تاریخی مبتنی بر نظامی از انگیزه‌ها و اراده‌ها است که یا به سوی جهان‌بینی الهی رهنمون می‌شود و یا اسیر جهان‌بینی مادی می‌گردد. نظام نیازمندی‌های تاریخی بشر نیز برحسب هرکدام از این جهان‌بینی‌ها، جهت می‌گیرد و بر این اساس ساختارهای اجتماعی الهی یا مادی را شکل داده و در نهایت تمدنی خاص (الهی یا مادی) محقق می‌شود [۱].

بدین ترتیب انقلاب اسلامی به عنوان نقطه عطف تحقق تمدن اسلامی در تکامل تاریخ اجتماعی قلمداد می‌گردد، چرا که مبتنی بر فلسفه تاریخ الهی بر پایه اعتقادات شیعی و در راستای تحقق آرمان غلبه حق بر باطل به عنوان هدف متعالی ارسال انبیا و معصومین؛ شکل گرفته است. آنچه انقلاب اسلامی داعیه دار آن است و در سیر حرکت تکاملی جامعه شیعه ضروری به نظر می‌رسد، ظرفیت‌سازی و زمینه‌سازی برای ایجاد تمدن اسلامی و نظام توحیدی که مقدمه تشکیل نظام جهانی و ظهور حضرت حجت به شمار می‌رود؛ می‌باشد. این مهم از طریق پی‌ریزی کلیه مناسبات فرهنگی، سیاسی، اقتصادی مسلمانان در عصر غیبت بر مبنای ولایت اولیای الهی و انتظار حجت حق و همچنین ارائه طرحی برای رهایی جوامع اسلامی از تارهای درهم تنیده اندیشه و باور غیرالهی غرب و راهکاری برای گذر همه اهل ایمان از فتنه‌ها و آشوب‌های آخرالزمان محقق می‌شود [۲]. در این میان شکل‌گیری نهضت‌های بیداری اسلامی راه میان‌بری برای نیل به اهداف فوق به شمار خواهد رفت.

بر این اساس انقلاب اسلامی به عنوان ثقل جریان تکامل اجتماعی بشر در جهت قرب الهی برای دستیابی و تحقق تمدن بین‌المللی اسلامی ناگزیر از توجه به موضوع زنان و خانواده است؛ چرا که بر پایه نگرش توحیدی اسلام، رسالت تاریخی زنان به معنای حضور آنان در تغییر ارزش‌ها و ارتقای تفکرات و تعالی رفتار عمومی جامعه به شمار رفته و زنان عناصری موثر در تغییر ارزش‌ها، باورها و اخلاقیات جامعه دانسته می‌شوند. همچنین خانواده در این نوع نگرش (توحیدی) به عنوان مهم‌ترین عنصر نظام اجتماعی و هسته بنیادین تحولات آن و نهاد فعال جامعه‌ساز است و زن به عنوان محور کلیدی این نهاد، نقش بی‌بدیلی را در انتقال تکامل‌گرایی به افراد خانواده و با واسطه به جامعه ایفا

می‌نماید. تکامل‌گرایی زن به معنی اهتمام به تربیت نسلی متعهد، انقلابی، کارآمد و تکامل طلب از طریق ایفای نقش بی بدیل و مهم مادری است.

وجود منبع غنی و ناب اسلامی و فراهم آمدن حکومت دینی در این مقطع تاریخی، فرصت پیش روی نظام جمهوری اسلامی است که می‌تواند بر بستر آن، کلیدی‌ترین عنصر جامعه (خانواده) را جهت‌دهی، کنترل و هدایت نماید. تنها در چنین صورتی است که می‌توانیم ضمن فائق آمدن بر چالش‌های پیش‌روی نظام و مقابله با بسیاری از تهدیدهای فرهنگی-اجتماعی متعدد فعلی و آتی، طبق تاکیدات مقام معظم رهبری با ارائه الگوی جامعه اسلامی در رابطه با تمامی ابعاد وجودی خانواده و زن مسلمان در مدیریت تحولات جهانی نقش فعال و موثری ایفا نمود. الگوی مفهومی به عنوان نخستین گام نقشه‌ی راه پیشرفت جامعه اسلامی در مسیر نیل به تمدن اسلامی به شمار می‌رود. به عبارت دیگر، جهت ترسیم نقشه پیشرفت اسلامی ایرانی و تحقق تمدن نوین اسلامی به عنوان هدف بلندمدت تحقق آن، نیازمند تدوین الگوی مفهومی کلانی هستیم که رابطه بین کلیه متغیرها و مولفه‌ها را ترسیم نماید. «الگوی مفهومی نقش‌آفرینی زنان در تحقق تمدن نوین اسلامی» که این پژوهش بدنبال آن است؛ نیز به عنوان یکی از اجزاء آن الگوی مفهومی کلان مطرح می‌شود. بنابراین ارائه مدل نقش‌آفرینی زنان در تحقق تمدن اسلامی و تبیین چگونگی ایفای نقش زنان در ایجاد تمدن اسلامی براساس آن مدل ضروری به نظر می‌رسد؛ امری که تاکنون مغفول مانده و متأسفانه هیچ پژوهش مستقلی در باب پرداخت به این مهم تدوین نشده بود. لذا در صورت پرداخت دقیق به آن، گام مهمی در تحقق اهداف و آرمان‌های نظام اسلامی و انقلاب اسلامی برداشته خواهد شد.

سوالات پژوهش

بدین ترتیب، پاسخ‌گویی به سوالات ذیل در راستای تبیین الگوی مفهومی زنان در افق تمدن نوین اسلامی، اهمیت ویژه‌ای می‌یابد:

الف: شاخص‌های شخصیتی، اخلاقی، رفتاری و هویتی زنان در بستر و چارچوب تمدن اسلامی چه هستند؟

ب: الگوی نقش‌آفرینی زنان در چارچوب تمدن اسلامی چگونه است؟

مفاهیم نظری

در ادامه به برخی از مفاهیم نظری که با استفاده از آنها به سوالات فوق پاسخ داده می‌شود اشاره می‌گردد:

انقلاب اسلامی: انقلاب در لغت به معنای حالی به حالی شدن، دگرگون شدن، برگشتن، تغییر و تحول است. در اصطلاح حرکتی مردمی است در جهت تغییر بنیانی در ارزش‌ها و باورهای مسلط (نهادهای سیاسی، ساختارهای اجتماعی، رهبری، روش‌ها و...) که با خشونت داخلی همراه می‌باشد [۳]. بر این اساس ویژگی‌های یک انقلاب سیاسی به شرح زیر است:

۱ - مردمی بودن

۲ - ناگهانی بودن

۳ - خشونت آمیز بودن

۴ - تغییر ارزش‌های مسلط

۵ - تغییر سیستم سیاسی حاکم

هرچند انقلاب اسلامی ایران نیز مشمول این تعریف می‌شود، اما چون ویژگی‌های خاص خود را دارد، باید تعریف جامع‌تری از آن داشت. انقلاب اسلامی عبارت است از «دگرگونی بنیادی در ساختار کلی جامعه و نظام سیاسی آن منطبق بر جهان بینی و موازین و ارزش‌های اسلامی و نظام امامت، بر اساس آگاهی و ایمان مردم و حرکت پیشگام متقیان و صالحان و قیام قهرآمیز توده‌های مردم» [۴]. در این تصویر کلی از انقلاب اسلامی، نقش عواملی نظیر ایمان، حرکت پیشگامان، متقیان، نظریه امامت و قیام عمومی مردم، نشان‌گر ایدئولوژیک بودن آن است.

تمدن اسلامی: ویل دورانت، تمدن را در شکل کلی، نوعی نظم اجتماعی می‌داند که در نتیجه وجود آن، خلاقیت فرهنگی امکان پذیر شده و جریان می‌یابد. به عقیده او در تمدن چهار رکن اساسی را می‌توان تشخیص داد که عبارتند از: پیش‌بینی و احتیاط در امور اقتصادی، سازمان سیاسی، سنن اخلاقی و کوشش در راه معرفت و بسط هنر. ظهور تمدن هنگامی امکان پذیر است که هرج و مرج و ناامنی پایان پذیرفته باشد، هنگامی که ترس از بین رفتن ترس است که کنجکاو و نیاز به ابداع و اختراع پیش می‌آید و انسان خود را تسلیم غریزه و فطرت می‌کند تا او را به شکل طبیعی به راه کسب علم و معرفت و تهیه وسایل بهبود زندگی سوق دهد [۵]. از نظر علی شریعتی نیز تمدن به معنای کلی عبارت است از مجموعه ساخته‌ها و اندوخته‌های معنوی و مادی جامعه انسانی. وقتی می‌گوییم ساخته‌های انسانی،

مقصود آن چیزی است که در طبیعت در حالت عادی وجود ندارد و انسان آن را می‌سازد، بنابراین ساخته انسانی در برابر ساخته طبیعت قرار می‌گیرد [6]. شهید مطهری نیز، تمدن حقیقی را مجموعه‌ای بر می‌شمارد که ابتدا کمال و استعداد های انسان تعریف کنند و بعد کمال جامعه را که همان کمال انسان است مشخص کنند که جامعه در چه نظامی می‌تواند انسان را به نهایت استعدادهای خودش، به کمال فرهنگی خودش، به کمال معنوی خودش برساند [7]. با توجه به نگاه و رویکرد این اندیشمندان می‌توان بیان نمود که تمدن ذیل موضوع فرهنگ قرار می‌گیرد و نسبت به آن رتبه و مقامی پایین‌تر دارد. تمدن به سان جسمی است که همه توان خود را از روح فرهنگ اخذ می‌کند. در این دیدگاه فرهنگ روح پنهان همه مناسبات است. آنچه که بر پایه آن تمامی امور حیات آدمی و جمعی انسان شکل می‌گیرد. فرهنگ کلیت گسترده‌ای است که «بودن»، «زیستن» و «مردن» آدمی را معنی می‌بخشد. به عبارت دیگر فرهنگ همه ادب و اخلاقی است که نوع رابطه انسان را با خودش، طبیعت و مبدا هستی تعیین می‌کند؛ با وسعتی که همه مناسبات فردی و جمعی را در خود جای داده است. آنچه در این میان، هویت، شخصیت و مختصات فرهنگ را معلوم می‌سازد، نوع نگرش و تفکر ویژه‌ای است که مبدا و مقصد انسان، مبتنی بر آن پی‌ریزی می‌شود.

در حقیقت، تمدن اسلامی یعنی نوعی از زندگی که انسان‌ها بتوانند به تمام ابعاد مادی و معنوی خود به کامل‌ترین شکل جواب دهند؛ لذا تمدن اسلامی دارای دو بخش اصلی می‌باشد؛ یک بخش سخت افزاری و یک بخش نرم افزاری. که برای تحقق آن دو عنصر اساسی، تولید فکر و پرورش انسان لازم است.

مسئولیت اجتماعی زنان: در نگرش اسلامی، انسان موجودی متعهد و مسئول است که نمی‌تواند به سرنوشت خود و دیگران بی‌اعتنا باشد. این نگاه با نگرش لیبرالیستی که هدف زندگی را کسب لذت و رفاه می‌داند و بر مناسبات فردگرایانه تاکید می‌کند تفاوتی فاحش دارد. آموزه‌های اسلامی افزون بر آنکه مسئولیت اجتماعی مردم را در قالب و جوب امر به معروف و نهی از منکر بیان می‌کند [8]، اهتمام به امور مسلمین را وظیفه‌ای می‌شمارند که بی‌توجهی به آن به منزله عدم عضویت در جامعه اسلامی است [9]. توجه به امور مسلمین، آموزه‌ای فراجنسیتی است، گاه در شکل توجه به مشکلات اشخاص و گروه‌ها، گاه توجه به نیازهای کلان جامعه و نظام اسلامی، گاه توجه به موازنه قوای اسلام و کفر در مقیاس جهانی و زمانی نیز به شکل توجه به مسئولیت‌های تاریخی نمود می‌یابد [10]. مقام معظم رهبری با ژرف نگری و آینده نگری همواره مسئولیت اجتماعی زنان را مورد توجه قرار داده و

درباره این امر می‌فرمایند: «...همه تکالیف اسلامی زن و مرد را به طور یکسان از مسئولیت اجتماعی برخوردار می‌کند. این که می‌فرماید من اصبح لایهتم بامور المسلمین فلیس بمسلم، مخصوص مردان نیست؛ زنان هم باید به امور مسلمانان و جامعه اسلامی و امور جهان اسلام و همه مسائلی که در دنیا می‌گذرد، احساس مسئولیت کنند و اهتمام نمایند؛ چون وظیفه اسلامی است.» [۱۱]. مسئولیت اجتماعی زنان به معنای سهم و نقش مجموعه زنان در اموری است که سرنوشت جامعه را رقم می‌زند. جامعه در این اصطلاح اعم از خانواده، جامعه و جهان است. تکامل‌گرایی زنان در مسئولیت اجتماعی اشاره به نظریه‌ای دارد که بین جامعه زنان و مردان در گستره مسئولیت اجتماعی تفاوتی قائل نیست برخلاف نظریه‌ای که نقش‌آفرینی زنان را صرفاً از مجرای خانواده تعقیب می‌نماید. اما در نوع مسئولیت اجتماعی بین آنها تفاوت قائل بوده و معتقد است که رعایت عدالت و تناسب، اقتضا دارد که زن‌ها با رعایت ویژگی‌های زنانه مسئولیت‌پذیر باشند. بر خلاف نظریه‌ای که تساوی و همسانی زن و مرد را شعار خویش قرار داده است.» [۱۲].

از سوی دیگر براساس فلسفه تاریخ شیعه تاریخ تکامل اجتماعی بشر بر محور خالقیت و ربوبیت حضرت حق جریان دارد و زنان بواسطه تکامل‌گرایی در مسئولیت اجتماعی نقش بسزایی در تکامل اجتماعی جامعه ایفا می‌نمایند [۱۳]. تکامل‌گرایی زنان به معنای حضور آنان در تغییر موازنه قدرت به نفع اسلام می‌باشد و این یکی از مولفه‌های مهم در تکامل‌گرایی اجتماعی جامعه قلمداد می‌شود. حضور زنان در تکامل‌گرایی بدین معناست که افق حساسیت اندیشه زنان از سطح خرد و پیش پا افتاده و حتی در سطح گرفتن مناصب قدرت در درون جامعه و احراز مناصب ظاهری همچون وزارت و وکالت و مدیریت به افق بالاتری پر بکشد، یعنی به سطح حساسیت نسبت به وضعیت اسلام در قبال جهان کفر و داشتن اهداف و آرمانهای بزرگ برسد [۱۴]. مقام معظم رهبری نیز در برخی از سخنان خود بر این امر تاکید می‌فرمایند: «زن مسلمان ایرانی در دنیای امروز رسالتی عظیم برعهده دارد و به عنوان الگوی زنان جهان باید پیام متعالی خود را در عرصه‌های مختلف بشری به گوش جهانیان برساند [۱۵]. در عبارت مذکور ایشان حضور بین‌المللی زنان را منحصر به فعالیت‌های خاص مربوط به زنان نکرده و این حضور را در عرصه‌های مختلف بشری ضروری دانسته‌اند.

براین اساس این پژوهش ابتدا به تبیین نقش کلیدی زنان در پیروزی انقلاب اسلامی به عنوان نقطه عطف جریان تکامل اجتماعی پرداخته و سپس با ارائه مدل نقش‌آفرینی زنان در تمدن اسلامی چستی این نقش‌آفرینی را توصیف نموده و بوسیله آن چگونگی ایفای نقش زنان در ایجاد تمدن

اسلامی تبیین می‌گردد.

روش پژوهش

با توجه به هدف و مساله‌ای که این پژوهش در صدد پاسخ‌دهی به آن است؛ روش تحقیق مورد استفاده، روش تحلیل مفهومی و پس از آن الگویابی می‌باشد. در روش تحلیل مفهومی محقق علاوه بر تصویرسازی آنچه هست به تشریح و تبیین دلایل چگونگی بودن و چرایی وضعیت مسئله و ابعاد آن می‌پردازد.

از ویژگی‌های این گونه پژوهش‌ها این است که محقق دخالتی در موقعیت، وضعیت و نقش متغیرها ندارد و آنها را دستکاری یا کنترل نمی‌کند و صرفاً آنچه را وجود دارد مطالعه کرده، به توصیف و تشریح آن می‌پردازد. همچنین، تحقیقات تحلیل مفهومی ممکن است به کشف قوانین و الگوی مفهومی و ارائه نظریه منتهی شود؛ این سخن بدان معناست که از طریق این گونه تحقیقات شناخت‌های کلی حاصل می‌شود؛ مثلاً وقتی ویژگی‌های یک پدیده خاص یا یک موضوع به دقت مطالعه و شناسایی شد، می‌توان این ویژگی‌ها را به موارد مشابه تعمیم داد و یک قضیه کلی ارائه نمود. این پژوهش با استفاده از روش تحلیلی مفهومی به الگویابی رسیده و الگوی مفهومی نقش آفرینی زنان را به عنوان مقدمه تحقق الگوی پیشرفت ایرانی اسلامی، در تمدن نوین اسلامی ترسیم می‌نماید. الگو در حقیقت نظام متغیرهایی است که در ارتباط با هم امکان شناخت و هدایت و کنترل تغییرات موضوع را مشخص می‌نماید. در پرتو الگوست که نقشه راه برنامه هدایت و کنترل تغییرات و در این پژوهش چگونگی نقش زنان در تحقق تمدن نوین اسلامی طراحی و تدوین می‌شود. از مهمترین کارکرد های الگوی مفهومی جامع نگری، انسجام بخشی، اولویت گذاری، ساده سازی و بستر سازی است و در واقع الگوی مفهومی ابزاری منطقی برای واکاوی موضوع است.

طراحی الگوی مفهومی به عنوان پیش نیاز طراحی الگوی پیشرفت و عدالت از روش های نوین با رویکرد دینی است می تواند کارکرد الگو پردازی ارزش گرا را تامین نماید. الگوی مفهومی راه ورود به مدل هایی است که قرار است به صورت تحولی گذر از وضع موجود به سمت آرمان مطلوب را فراهم می نمایند. لذا تحقق الگوی زن تمدن ساز و نقش آفرینی زن در جامعه سازی و تمدن سازی به عنوان تمهیدی بر الگوی پیشرفت اسلامی ایرانی نیازمند آن است که در گام اول الگوی مفهومی متناسب با رویکرد دینی در نگاه به زن به همراه داشته باشد. به نظر می رسد استفاده از ابزارهای

ناکارآمد غیر اسلامی برای بازسازی جامعه اسلامی به پایان رسیده است و نظام سیاست گذاری و برنامه ریزی کلان کشور جهت تحقق آرمانهای انقلاب اسلامی ناگزیر از توجه جدی به مبانی اسلامی برای طراحی مدل های اداره جامعه و طراحی الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت می باشد. طراحی الگو در این پژوهش در سطح طراحی نظام موضوعات حاکم بر موضوع صورت می گیرد. این متغیر های موضوعی، بر پایه نظام اوصاف استخراج می گردند. اما طراحی نظام موضوعات بر روش ها و فنون ذیل استوار است.

۱. روش های نظری: مانند روش های مفهوم پردازی و طبقه بندی و شیوه ها و فنون مرتبط با آن مانند طراحی جداول ماتریسی و تحلیل محتوا جهت تبدیل مفاهیم فلسفی به مفاهیم وصفی و موضوعی.

۲. روش های کاربردی: مانند روش های کتابخانه ای و استقرا جهت جامع نگری و کمی سازی متغیرها [۱۶]

با طراحی الگو افق گسترده ای در مقیاس تمدنی فرا روی اندیشمندان و برنامه ریزان قرار خواهد داد. این الگو از جهات متعدد از جمله زوایای ذیل قابل ترسیم می باشد:

موضوعات: اقتصادی، فرهنگی، سیاسی

محرا: انگیزه، اندیشه، رفتار

مقیاس: خانواده، جامعه، جهان

این الگو الگویی قابل رشد است و می توان آن را به ریز بخش های دیگر نیز تفکیک کرد و ابعاد عمیق تر، چند لایه و پیچیده را ترسیم نمود.

یافته های پژوهش

نقش زنان در انقلاب اسلامی ایران: اسلام برخلاف جوامع و تمدن جاهلی که زنان را حقیر و ضعیف و دون شمرده و آنان را در خدمت ابتذال و فساد گرفته بود، به زنان، شخصیتی باکرامت و مقامی والا بخشید. این مقام و منزلت، توأم با فداکاری و ایثار، در پرتو انقلاب اسلامی تجلی یافت و عطر شکوفایی این موجود بزرگوار و بافضیلت، جهانیان را به شگفت آورد. زن مسلمان ایرانی نیز در این سالهای مبارزه، همگام با مردان در جهاد و مبارزه با طاغوت بود و هر چه به سال ۱۳۵۷ نزدیک می شد بر تعداد و بر شدت فعالیت این زنان افزوده می شد. این حضور زنان در عرصه

انقلاب اسلامی تا آنجاست که از سوی خبرگزاریها و تحلیل‌گران، انقلاب اسلامی به «انقلاب چادرها» نام گرفت. بنیان‌گذار انقلاب اسلامی این حرکت زنان را سبب قوت و تداوم نهضت دانستند: «آمدن شما خانم‌ها به خیابان‌ها و میدان‌های مبارزه موجب این شد که مردها هم قوت پیدا بکنند، تقویت بشوند، روحیه آنها هم با آمدن شما تقویت بشود. مردها به تبع زنها در خیابان‌ها می‌ریختند، تشویق می‌کردند زن‌ها مردان را، خودشان در صف‌های جلو بودند.» [۱۷] شهادت شهید، ثمره دامان پر مهر و اندوخته‌دستان زحمتکش مادران فهیم و گرانقدری است که محبت مادری را با عشق الهی پیوند می‌زنند و روح و جان فرزندان خود را آماده می‌سازند که به قربانگاه شهادت قدم گذارند،...» [۱۸] و به همین جهت حضرت امام خمینی رحمه الله، بزرگ مصلح قرن در جای جای کلام خویش زنان را پیشگامان انقلاب معرفی می‌کند. امام رحمه الله می‌فرماید: «ما نهضت خودمان را مدیون زنها می‌دانیم» [۱۹] و همین نکته برای بیان نقش زنان در پیروزی انقلاب اسلامی از هر کلامی رساتر است.

زنان، نه تنها در پیروزی انقلاب اسلامی سهم بزرگی ایفا کردند، بلکه در تثبیت نظام جمهوری اسلامی و تداوم انقلاب اسلامی حرف نخست را زدند و با حضور در صحنه انقلاب اسلامی، توطئه‌های دشمنان را در عرصه‌های گوناگون فرهنگی، نظامی، اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و... نقش بر آب ساختند. زنان مسلمان ایران هم پای مردان و با اطاعت از ولایت فقیه در همه‌ی میدان‌های فرهنگی و مبارزاتی و سازندگی به فعالیت خود ادامه دادند تا به تشکیل نظام اسلامی به رهبری امام خمینی نایل گردیدند و برترین الگو برای زنان مسلمان عصر حاضر شدند.

مقام معظم رهبری در سومین نشست اندیشه‌های راهبردی با موضوع زن و خانواده به این نقش اثرگذار زنان در جامعه اشاره کرده و فرمودند: «آن کسانی که سابقه دارند، میدانند که زنان، هم در دوران مبارزه نقش داشتند، هم بخصوص در همان دوران انقلاب - یعنی آن یک سال و نیمی که حرکت انقلابی عمومی شروع شد - نقش داشتند. زنان یک نقش مؤثر و بی‌جایگزین داشتند؛ که اگر نبودند زنان توی این اجتماعات، بلاشک این اجتماعات عظیم و این تظاهرات عظیم، آن اثر را نمی‌بخشید؛ علاوه بر اینکه در بعضی جاها مثل مشهد ما، اصلاً شروع این تظاهرات، از زنان شد. یعنی اولین حرکت عمومی مردمی، یک حرکت زنانه بود. البته مورد تعرض پلیس هم قرار گرفتند. بعد از آن بود که حرکت‌های مردانه راه افتاد. هم در مبارزات اینجور بود، هم در ایفای نقش در تشکیل نظام، هم در دوران بسرعت پدید آمده‌ی بعد از تشکیل نظام؛ یعنی دوران جنگ» [۲۰] و در سال ۱۳۶۳، در

جمع بانوان فرموده بودند: «حرکتی را که زن ایرانی شروع کرده است از دست ندهید. این حرکت برای دنیا یک پیام جدیدی دارد و ولایت جدیدی است و مشخصه‌های آن احساس شخصیت زن است و این اوست که گردآورنده تاریخ است و می‌تواند در جامعه نقش تعیین کننده داشته باشد» [۲۱]

نقش زنان در تمدن اسلامی: برای درک نقش زنان در تمدن اسلامی باید از فهمی دقیق از اجزا و ابعاد این تمدن برخوردار باشیم. بنابر نظریه مقام معظم رهبری پیرامون تمدن اسلامی، این تمدن از دو بخش اصلی سخت افزاری (ابزاری) و نرم افزاری (متنی) تشکیل شده است. برای تحقق کامل هر کدام از این بخش‌ها نیز دو عنصر اساسی لازم است: ۱- عنصر تولید فکر ۲- عنصر پرورش انسان. بر این اساس جهت تامین این دو عنصر اساسی و تبیین مبنایی نقش زنان در تامین این عناصر و تحقق تمدن اسلامی ناگزیر از ارائه الگوی نقش‌آفرینی آنان در تمدن نوین اسلامی می‌باشیم.

الگوی نقش‌آفرینی زنان در تمدن اسلامی: در الگوی پیشنهادی سعی شده است با استفاده از تبیین سه متغیر (موضوعات، مجرا، مقیاس) حیطه‌های نقش‌آفرینی زنان در بیداری اسلامی و تمدن نوین اسلامی توصیف و ترسیم شود.

موضوعات: می‌توان موضوعات نقش‌آفرینی زنان در بیداری اسلامی و تمدن اسلامی را در سه حوزه کلان اقتصادی، فرهنگی و سیاسی ترسیم نمود.

سیاسی: سیاست بخشی از روابط درون یک جامعه می‌باشد که هدف آن سرپرستی هماهنگی، اعتماد و همدلی و یکپارچگی اجتماعی است؛ قوانین و ضوابط حقوقی و اجتماعی در مدیریت یک جامعه از مصادیق روابط سیاسی آن جامعه می‌باشند [۲۲]. نقش‌آفرینی زنان در حوزه سیاسی به معنای تاثیرگذاری مستقیم و غیر مستقیم آنان در ارائه الگوی مطلوب ساختار سیاسی، کسب قدرت سیاسی جامعه مطبوع و افزایش قدرت و یا ایجاد عزت جامعه نسبت به سایر جوامع می‌باشد.

اقتصادی: به بخشی از روابط جامعه که با تکیه بر توان، مقدورات و امکانات مادی جامعه اعم از امکانات طبیعی، امکانات مصنوعی و امکانات انسانی شکل می‌گیرد، امور اقتصادی می‌گویند [۲۳]. نقش‌آفرینی زنان در حوزه اقتصادی به معنای تلاش و مجاهدت آنها در ایجاد ساختارهای مطلوب اقتصادی مبتنی بر نرم افزارهای اداره جامعه اسلامی و همچنین تلاش برای کسب و افزایش ثروت و توان افزایی مادی فرد و جامعه می‌باشد.

فرهنگی: فرهنگ یعنی باورها و اعتقادات ما و چیزهایی که زندگی شخصی و اجتماعی و داخل

خانه و محیط کسب یک جامعه با آنها روبه رو است [۲۴]. نقش آفرینی زنان در حوزه فرهنگی به معنای تاثیرگذاری آنان در باورها، هنجارها، ارزش‌ها و آداب و رسوم جامعه و همچنین ارتقاء سطح اندیشه جمعی افراد می‌باشد.

مقیاس: تاثیرگذاری زنان در موضوعات فوق در سه سطح قابل تعریف است که از این سطوح زن نقش محوری و کلیدی خویش را در شکل‌گیری و ایجاد تمدن اسلامی ایفا می‌نماید. خانواده: از یک سو خانواده اولین سطح بروز نقش آفرینی زنان از طریق نقش‌های مادری، همسری، دختری و خواهری می‌باشد. و از سوی دیگر خانواده سلول بنیادی اجتماع و به طبع آن سلول بنیادی تمدن اسلامی نیز به شمار می‌رود.

جامعه: مقیاس اجتماعی به کلیه نقش آفرینی‌های زن فرای نقش‌های خانوادگی اطلاق می‌شود. به عبارت دیگر منظور از اجتماعی در این نگاه خرده سیستم‌های آموزشی، فرهنگی، سیاسی و اقتصادی است. که نظام اجتماعی تعریف می‌شود.

جهانی: مقیاس جهانی دربرگیرنده تمامی فعالیت‌های خارج از حیطه اجتماعی و خانوادگی بوده و به معنای تاثیرگذاری زنان، کسب اعتبار بین‌المللی و همسوسازی سایر جوامع به سمت ارزش‌های جامعه اسلامی در جهت ایجاد تمدن بین‌المللی اسلامی می‌باشد.

مجراهای تحقق: برای تحقق تمدن اسلامی بسترهای مختلفی ترسیم می‌شود که در این میان اهم بسترها و مجراهای تحقق را می‌توان انگیزه، اندیشه و رفتار برشمرد [۲۵].

انگیزه: اصطلاح انگیزش^۱ را می‌توان به عنوان عامل نیرو دهنده، هدایت کننده و نگهدارنده رفتار تعریف کرد. گیچ و برلایز در سال ۱۹۸۴، انگیزش را به موتور و فرمان اتومبیل تشبیه کرده‌اند. سیفرت در سال ۱۹۹۲ گفته است: انگیزش، یک تمایل یا گرایش به عمل کردن به طریقی خاص است. انگیزه^۲ و انگیزش، غالباً به صورت مترادف به کار می‌روند، با این حال می‌توان انگیزه را دقیق‌تر از انگیزش دانست به این صورت که انگیزش را عامل کلی مولد رفتار اما انگیزه را علت اختصاصی یک رفتار خاص به حساب آورد [۲۶].

روبرتسون و اسمیت (۱۹۸۵) اظهار می‌دارند انگیزش مفهومی روان‌شناختی است که مرتبط با نیروی دهنده و جهت‌دهی رفتار انسان می‌باشد. از نظر هایفور و وایدت نیروی دهنده به معنی این است که

1 . Motivation
2 . Motive

انگیزش رفتار را مقاوم، نیرومند و سرشار از تلاش می‌سازد و جهت‌دهی به معنی این است رفتار به سمت رسیدن به یک هدف یا پیامد خاص معطوف است [۲۷].

روان‌شناسان بر سر تعریف انگیزش، به موارد ذیل توافق دارند:

۱. جهت رفتار: هدف یا هدف‌هایی که موجود زنده در تعقیب آن است.

۲. شدت رفتار: میزان کوشش یا تلاشی که برای رسیدن به هدف، از موجود زنده سر می‌زند.

۳. پایداری رفتار: مدت زمانی که موجود زنده برای رسیدن به هدف، صرف می‌کند.

تعریف انگیزش بر حسب فرایند یا فرایندهایی که به نحوی شروع شده و جهت یافته و سپس ادامه پیدا کرده و سرانجام برای رسیدن به زنجیره هدف‌گرایی رفتار، متوقف شده، قابل تبیین است. به طور کلی هر رفتاری که از انسان و حیوان سر می‌زند، جهت یافته یا معطوف به هدف غایتی است و برای رسیدن به هدف طرح ریزی شده است. در حقیقت معنای انگیزه مولفه ای است از «جهت تکامل»، «مجموعه‌های خارجی» و «عوامل درونی» آن [۲۸] و انگیزه بنا بر تعریف عینی، حالتی فرضی در موجود زنده است که برای تبیین انتخاب‌ها در رفتار معطوف به هدف آن به کار می‌رود. انگیزه بنا بر تعریف ذهنی، به صورت آرزو یا میل، تجربه می‌شود.

انگیزه از نظر بنیادی، هر آن چیزی است که موجود زنده را به حرکت و میدارد و موجب جنبش آن می‌شود. روان‌شناسان، کلیه عواملی را که موجود زنده و از جمله انسان را به فعلیتی و میدارد و او را در یک جهت خاصی سوق می‌دهد، انگیزه می‌نامند. انگیزه، اولین عنصر تشکیل دهنده رفتار است. یکی از مجراهایی که زنان می‌توانند با استعانت از آن در ایجاد تمدن اسلامی نقش ایفا نمایند از طریق تصرف در اهداف، انگیزه‌ها و مقاصد است که افراد جامعه دنبال می‌نمایند. این راه در نهایت ساخته شدن جامعه آرمانی مبتنی بر اندیشه‌های اسلامی فراهم می‌آید.

اندیشه: اندیشه نیز مانند انگیزه نوعی درک به آدمی می‌دهد منتها با این تفاوت که اندیشه نوعی درک عقلی و فهم و سنجش منطقی است. منطقیان در تعریف (تفکر) گفته اند:

«تَرْتِيبُ أُمُورٍ مَعْلُومَةٍ لِتَحْصِيلِ أَمْرٍ مَجْهُولٍ» [۲۹] [تفکر عبارت است از] مرتب ساختن معلوم‌ها برای دست یافتن به مجهول. همچنین گفته اند: «الْفِكْرُ حَرَكَةٌ إِلَى الْمَبَادِي وَمِنَ الْمَبَادِي إِلَى الْمُرَادِ» [۳۰] فکر، حرکت [از مطلوب] به سوی مبادی است و سپس از مبادی به سوی مطلوب و تبدیل مجهول به معلوم.

بنابراین دو تعریف، برای این که تفکر صورت گیرد، وجود مبادی، یعنی معلومات پیشین -

دست کم یک معلوم - ضروری است. و نیز در مسیر رسیدن به مطلوب، باید مقدمات (مبادی) شکل و نظمی ویژه بیاباند؛ یعنی مقدمات و مبادی در صورتی مولد نتیجه اند که ترتیبی ویژه یابند و تفکر همان نظم دادن به معلومات پیشین است.

اندیشه نیز یکی دیگر از مجراهای تحقق نقش‌آفرینی زنان در شکوفایی تمدن اسلامی است. به صورتی که زنان آگاه و هوشمند با تصرف بر حوزه اندیشه و درک عقلی افراد جامعه در موضوعات سیاسی، فرهنگی و اقتصادی زمینه ایجاد حرکت و پویایی هدفمند در جهت بیداری اسلامی جوامع و هم چنین نیل به نظامات اجتماعی تمدن اسلامی را فراهم می‌سازند.

رفتار: رفتار عبارتست از هر نمود و عمل و موضع‌گیری که از انسان در زندگی مادی و معنوی بروز می‌نماید. و این یک مفهوم عام است که شامل همه انواع گفتار و کردار و نمودهای عقلانی و عاطفی و انعکاسی و اضطراری ... بوده و هر نمودی را که از علت و انگیزه‌ای بروز می‌نماید در بر می‌گیرد. این مفهوم عام برای رفتار، شامل همه فعالیت‌های مغزی و روانی آدمی می‌باشد. چنانکه هر گونه گفتار و عمل و انتخاب و حرکات دینی، اخلاقی، سیاسی، حقوقی، اقتصادی، هنری، ابداعی، ادبی، جنگی و صلحی نیز، رفتارهای آدمی محسوب می‌گردند [۳۱]. رفتار در روان‌شناسی به صورت‌های زیر تعریف شده است:

(۱) پاسخ قابل مشاهده

(۲) هر فعالیت و عملی که موجود زنده انجام می‌دهد و متضمن کارهای بدنی و پنهان، اعمال فیزیولوژیک، عاطفی و عقلی می‌باشد. خواه یک عمل خاص و یا مجموعه‌ای از اعمال باشد.

(۳) یک بازتاب یا مجموعه بازتاب‌های فرد نسبت به یک وضع.

بر این اساس می‌توان گفت: زنان با استفاده از انگیزه (فهم حسی) و اندیشه (بینش) سبب ایجاد رفتارهای مطلوب و شایسته و هم چنین جلوگیری از ایجاد رفتارهای نامطلوب در میان افراد جامعه می‌نماید. به عبارت دیگر یکی از مجراهای تحقق نقش‌آفرینی زنان در ایجاد تمدن اسلامی جهت‌دهی تغییرات اجتماعی و استمرار پدیده‌های مطلوب اجتماعی می‌باشد [۳۲]. تبیین ارتباط بین متغیرهای الگو: پس از تعریف و توصیف متغیرهای اصلی الگو (موضوعات، مقیاس و مجرا) برای شناسایی بهتر چگونگی ایفای نقش زنان در شکوفایی تمدن اسلامی بیان ارتباط منطقی میان متغیرها ضروری می‌باشد. بر این اساس ابتدا متغیر مجرای نقش‌آفرینی زنان را به متغیر موضوعات نقش‌آفرینی زنان اضافه نموده که ماتریس ۹ تایی بدست می‌آید. در گام دوم برای کامل شدن جدول الگو باید متغیر

مقیاس نقش آفرینی زنان به ترکیب ماتریس ۹ تایی اضافه شود. الگوی نهایی در جدول شماره (۱) آمده است.

جدول شماره (۱)

مجررا			انگیزه			اندیشه			رفتار		
موضوع	سیاسی	اقتصادی	فرهنگی	سیاسی	اقتصادی	فرهنگی	سیاسی	اقتصادی	فرهنگی	مقیاس	
جامعه	انگیزش	اقتصادی در جامعه	انگیزش	سیاسی در جامعه	اقتصادی در جامعه	فرهنگی در جامعه	انگیزش	سیاسی در جامعه	اقتصادی در جامعه	فرهنگی در جامعه	رفتار
جهان	انگیزش	اقتصادی در جهان	انگیزش	سیاسی در جهان	اقتصادی در جهان	فرهنگی در جهان	انگیزش	سیاسی در جهان	اقتصادی در جهان	فرهنگی در جهان	رفتار

تجزیه و تحلیل یافته‌های تحقیق

مطابق با چارچوب نظری پژوهش جهت تبیین و شناخت نقش زنان در تحقق تمدن اسلامی ابتدا الگوی مفهومی نقش آفرینی زنان با استفاده از سه متغیر موضوعات، مجرا و مقیاس ترسیم شد. موضوعات در سه حوزه کلان اقتصادی، فرهنگی و سیاسی و در سه مقیاس خانواده، جامعه و جهان که از طریق انگیزش، اندیشه‌دهی و رفتار به منصف ظهور می‌رسد، تبیین و تشریح شد. برای شناسایی بهتر چگونگی ایفای نقش زنان در شکوفایی تمدن اسلامی ارتباط منطقی میان متغیرها، ابتدا به صورت ماتریس ۹ تایی (ترکیب مجرا و موضوعات نقش آفرینی) و بعد برای کامل‌تر شدن الگو با اضافه کردن مقیاس نقش آفرینی زنان به ماتریس قبلی الگوی نقش آفرینی زنان مشخص شد. که در ادامه به تفصیل چگونگی تحقق ماتریس فوق ارائه و تشریح می‌گردد:

انگیزش سیاسی، فرهنگی و اقتصادی: همانطور که گفته شد زنان در موضوعات سیاسی، اقتصادی، فرهنگی که ابعاد تمدن اسلامی به شمار می‌روند؛ از طریق جهت‌دهی انگیزش‌ها، تاثیر بر اندیشه‌ها و

تغییر رفتارها و مقیاس‌های خانواده، جامعه و جهان نقش‌آفرینی می‌کنند. از یک منظر از آنجایی که زنان مطابق با فرمایشات امام(ره) عناصر موثری در پرورش جوامع و... به شمار می‌روند. زنان با تحریک نظام احساسات و ایجاد انگیزه در جهت پیروزی حق بر باطل ابتدا بر اعضای خانواده خویش و در گام بعد بر افراد جامعه در سطح اجتماع، به زمینه‌سازی در جهت تحقق انقلاب اسلامی گام برداشتند. که می‌توان این امر را ذیل انگیزش سیاسی زنان در سطح جامعه، خانواده قرار داد. نقش‌آفرینی زنان از طریق تاثیر بر تغییر موازنه قدرت بین اسلام و کفر به نفع اسلام نیز از مصادیق انگیزش سیاسی زنان در مقیاس جهانی یاد می‌شود.

پس از پیروزی انقلاب اسلامی و تحقق انقلاب سیاسی در ایجاد ساختارهای سیاسی بر مبنای آموزه‌های اسلامی، موضوع انقلاب فرهنگی و تولید نرم افزارهای اداره جامعه مبتنی بر نگرش دینی به عنوان اولویت نظام نیازمندی‌های انقلاب اسلامی شکل گرفت.

لذا حضور زنان در این بخش از طریق انگیزش اراده‌های انسانی در سطح خانواده، جامعه در جهت رفع این نیازمندی مهم انقلاب اسلامی مطرح می‌شود و همچنین از انگیزش آن‌ها در سطح خانواده و اجتماع برای مقابله با عناصر و محصولات هجمه فرهنگی دشمن به عنوان انگیزش فرهنگی زنان در سطح جهانی یاد می‌شود.

زنان از طریق ترویج نگاه (رویکرد دینی در حوزه اقتصاد که همانا مجاهدت اقتصادی برای افزایش تولیدات ایجاد ساختارهای مطلوب اقتصادی مبتنی بر نرم افزارهای اداره جامعه اسلامی تهییج اراده‌های انسانی در راستای مقابله با جنگ نرم دشمن در حوزه اقتصاد) تحریم، تهدید و... می‌باشد.

اندیشه‌دهی سیاسی، فرهنگی و اقتصادی: یکی از عوامل زمینه‌ساز تمدن اسلامی هماهنگی میان بینش و اندیشه انسان‌های تراز انقلاب اسلامی با ارزش‌های دینی و آرمان‌های والای انقلاب اسلامی می‌باشد. بر این اساس زنان علاوه بر تهییج و تشویق اراده‌های انسانی نقش مهمی در آگاهی بخشی و ارتقاء سطح درک افراد جامعه نسبت به تمایز وضع موجود و مطلوب سیاسی، فرهنگی و اقتصادی در جهت شکوفایی تمدن اسلامی ایفا می‌نمایند.

نقش‌آفرینی زنان در احیای تفکر اسلامی در نهضت تولید علم دینی و مشارکت مستقیم آنها در طراحی ساختارها و نظارت اجتماعی مبتنی بر نگرش توحیدی را و همچنین تاثیر بر فرایندهای تصمیم‌سازی و تصمیم‌گیری از طریق آگاهی بخشی به افراد جامعه می‌باشد. و زنان علاوه بر اینکه خود به رشد فکری رسیده‌اند خانواده و جامعه را نیز در موضوعات سیاسی، اقتصادی و فرهنگی رشد

می دهند. «در حقیقت نمی توان باور کرد که انسان خدامحور همچون انسان دنیامحور بیندیشد زیرا اولی علاوه بر اعتقاد به وجود خدا، می خواهد امر و نهی او را در تمامی مراتب و شئون زندگی فردی و اجتماعی خویش جریان دهد. به بیان بهتر تناسب «عدل و ظلم» از نظر موحد خدامحور نه تنها در شئون فردی بلکه در تمامی مراتب خانوادگی و اجتماعی باید جریان یابد» [۳۳].

رفتار سیاسی، فرهنگی و اقتصادی: حضور زنان و مشارکت مستقیم آنان در پیروزی انقلاب اسلامی امری انکارناپذیر بوده و همواره از سوی بنیان گذار انقلاب اسلامی مورد توجه و تاکید قرار گرفته است. به طوری که ایشان می فرمایند: «همراهی و مشارکت فعالانه زنان در نهضت پیروزی، اسلام را بیمه کرد.» [۳۴]. حضور زنان در تظاهراتها و راهپیماییها علیه حاکمیت‌های طاغوت در جریان شکل‌گیری نهضت‌های اسلامی از ابتدای تاریخ و بویژه حضور آنان در صف مقدم راهپیماییها در پیروزی انقلاب اسلامی و ایجاد جریان‌های بیداری اسلامی در کشورهای چون بحرین و یمن و... به عنوان شواهدی بر رفتار سیاسی زنان به شمار می‌رود.

می توان آگاهی زنان در شناخت جریان باطل و نیروهای آن در موضوعات فرهنگی و اقتصادی و در پی آن مقابله مستقیم آنها در این عرصه ها را نیز نمونه هایی از رفتار فرهنگی و اقتصادی به شمار آورد. به عنوان مثال در حوزه رفتار اقتصادی تحریم محصولات تولیدی شرکت‌های وابسته به رژیم صهیونیستی و یا تاکید به استفاده و از کالای ایرانی و عدم استفاده از کالاهای خارجی، طراحی الگوی مصرف صحیح برای خانواده در جهت الگوی صحیح مصرف مطابق با منویات مقام معظم رهبری، مشارکت آنان در تولید اقتصادی و ایجاد صرفه‌های اقتصادی برای خانواده و اجتماع، پیاده سازی الگوی صحیح اقتصادی مبتنی بر آموزه‌های اسلام برای خانواده.

در حوزه رفتار فرهنگی می توان به رعایت حجاب و عفاف و ترویج الگوی پوشش کامل در جامعه، تحریم لوازم آرایشی و لباس‌های مورد تبلیغ کشورهای بیگانه از طریق ماهواره و رسانه‌های ارتباط جمعی آنها، کنار گذاشتن سبک زندگی غربی در تغذیه، پوشش، اوقات فراغت، تفریحات و... و به طور کلی مقابله عملی آگاهانه با تهاجم فرهنگی در خانواده و تربیت فرزندان و بازداشتن آنها از گرایش به سمت فرهنگ غربی از طریق عدم استفاده از اسباب بازی های مروج فرهنگ منحط غرب- مانند عروسک های باربی- و ایجاد علاقه در فرزندان به بازی های همسو با فرهنگ اسلامی و طراحی چنین بازی هایی برای آنان توسط مادران جامعه اسلامی و ترویج فرهنگ اسلامی از طرق مختلف را می توان مثال هایی از رفتارهای فرهنگی زنان در جهت ایجاد تمدن بین‌المللی اسلامی دانست.

نتیجه‌گیری و پیشنهاد

هر فرد، گروه یا جمعیتی بر اساس آرمان‌ها و اهدافی که در صدد دستیابی به آن است، مسیری را برای تحقق آرمان‌ها می‌پیماید و در این مسیر افراد با ایفای نقش‌های جدید به تغییرات اجتماعی به سمت اهداف پاسخ می‌دهند. در چنین فرایندی هر آنچه برنامه ریزی‌ها دقیق و مدون‌تر باشد و الزامات و ضروریات نائل شدن به اهداف پیش‌بینی شده بصورت کامل تری تامین شود، سیر تکاملی شکوفایی تمدن نیز تسریع خواهد شد. لذا هر آنچه فضا و بستر نقش آفرینی انسان به عنوان اصلی‌ترین عنصر هر جامعه‌ای به نحوی شایسته‌تر فراهم شود، به همان میزان روند پیشرفت تسهیل خواهد شد. در این میان به زن به عنوان فردی انسان‌ساز و جامعه‌ساز نقش ویژه‌ای دارد و لزوم مشارکت زنان در پیشرفت، ابتکار و نظریه‌پردازی نیست و دیرزمانی است که استفاده و بهره‌گیری از تمامی نیروها برای حصول اهداف از پیش تعیین شده به عنوان یک اصل بدیهی پذیرفته شده است. البته این توانمندی از دیرباز بصورت بالقوه وجود داشت، اما شرایط حاکم بر جامعه در مقاطعی، نقش آفرینی زنان را با موانع و چالش‌هایی مواجه می‌ساخت که در مقام عمل، کارکرد زنان، تحت الشعاع برخی نگاه‌ها و شیوه‌های مدیریتی خاص قرار می‌گرفت. و در برخی جوامع این نقش صرفاً ابزاری نگریسته می‌شود.

در جامعه ایرانی نیز، پس از پیروزی شکوهمند انقلاب اسلامی ایران، زن به عنوان یکی از عناصر اصلی در فرآیند حصول تمدن نوین مطرح شد به عبارت دیگر انقلاب اسلامی به عنوان نقطه انکشاف تمدن اسلامی در تاریخ تکامل اجتماعی مبتنی بر فلسفه تاریخ الهی و شیعی، جهت تحقق آرمانها و اهداف مطلوب خود ناگزیر از توجه به موضوع زنان می‌باشد زیرا رسالت تاریخی زنان به معنای حضور آنان در تغییر ارزش‌ها و ارتقای تفکرات و تعالی جامعه به شمار می‌رود. اما متأسفانه علی‌رغم تلاش‌هایی که برای تسهیل نقش آفرینی زنان، انجام شده است؛ انقلاب اسلامی نتوانسته است به صورت مطلوب از ظرفیت جامعه زنان در جهت نیل به تمدن نوین اسلامی بهره‌جوید و همچنان با نقطه مطلوب فاصله وجود دارد. یکی از عوامل منفی در نقش آفرینی زنان، ناشی از تحرکات و طراحی‌هایی است که منجر به انحراف کشیدن کارکرد اصلی زنان در جوامع معطوف می‌شود که نگاه ابزاری به زن و تبلیغات گسترده برای تنزل جایگاه این طیف در ظاهر و پوشش حمایت و پشتیبانی از زنان، از مصادیق آن به شمار می‌رود که متأسفانه همچنان این روند ادامه دارد و هجمه تبلیغاتی دشمن از طریق ابزارهای رسانه‌ای برای تضعیف کارکرد موثر زنان از نمونه‌های آن به شمار می‌رود. لذا نائل شدن به شرایط مطلوب، مستلزم فراهم ساختن ضروریاتی است که بخش قابل توجهی از آن، متأثر از

ارائه الگوی نقش آفرینی این طیف اثرگذار است. تبیین صحیح نقش ویژه زن، به معنای ساختن عناصری فعال، پویا و کارآمد است که حرکت به سمت تمدن نوین اسلامی را تضمین می کنند و قطعاً با چنین اوصافی، نقش زنان در خانواده، جامعه و جهان در سه حوزه کلان اقتصادی، فرهنگی و سیاسی از طریق انگیزش، اندیشه‌دهی و رفتار به منصفه ظهور می‌رسد.

براین اساس تبیین و شناخت نقش زنان در تامین عناصر مورد نیاز برای تحقق تمدن اسلامی گام اول تحقق این مهم به شمار می رود. لذا در این پژوهش ابتدا الگوی نقش آفرینی زنان با استفاده از سه متغیر موضوعات، مجرا و مقیاس ترسیم شد. موضوعات در سه حوزه کلان اقتصادی، فرهنگی و سیاسی و درسه مقیاس خانواده، جامعه و جهان که از طریق انگیزش، اندیشه‌دهی و رفتار به منصفه ظهور می‌رسد، تبیین و تشریح شد. برای شناسایی بهتر چگونگی ایفای نقش زنان در شکوفایی تمدن اسلامی ارتباط منطقی میان متغیرها، ابتدا به صورت ماتریس ۹ تایی (ترکیب مجرا و موضوعات نقش آفرینی) و بعد برای کامل تر شدن الگو با اضافه کردن مقیاس نقش آفرینی زنان به ماتریس قبلی الگوی نقش آفرینی زنان مشخص شد.

بنا بر آنچه در این مقاله ذکر گردید، زنان می‌توانند علاوه بر انگیزش، ترغیب و تشویق اعضای خانواده در درون خانواده و احاد افراد جامعه در اجتماع در مسائل فرهنگی، اقتصادی و سیاسی از طریق اندیشه‌دهی و بروز کنش (رفتار) آگاهانه در برابر مسایل مبتلا به نظام اسلامی در موضوعات فوق در سطح اجتماع و فراتر از آن در سطح جهان نیز نقش آفرینی کند. و در تمامی این عرصه‌ها و سطوح به ایجاد تمدن اسلامی بپردازد.

بر اساس یافته های پژوهش جهت تحقق الگوی مفهومی ارائه شده پیشنهادات ذیل ارائه می گردد:

۱. ایجاد شبکه تحقیقات حوزه زنان و خانواده با تمرکز بر نقش آفرینی در تحقق تمدن نوین اسلامی
 ۲. حمایت از پژوهش های مرتبط با نقش آفرینی زنان در تمدن اسلامی
 ۳. نهادینه کردن این الگو از طریق سیاستگذاری و گفتمان سازی متولیان امر
- الف: بستر سازی جهت تغییر نگرش احاد مردم به جایگاه و نقش زن از طریق اصلاح سیاست گذاری های مرتبط با حوزه زنان توسط نهادهای سیاست گذاری کلان کشور،
- ب: گفتمان سازی مناسب و شایسته پیرامون نقش و جایگاه حقیقی زن در عرصه های اقتصادی، سیاسی و اجتماعی از طریق برنامه سازی برای رسانه های عمومی کشور، جهت دهی و شبکه سازی مبلغین توانمند در حوزه زنان و خانواده، حول این موضوع
۴. اصلاح سیاست گذاری های آموزش زنان و جهت گیری نظام آموزش عالی کشور به سمت

تربیت زنان جامعه با توجه به قابلیت های همه جانبه به جای تمرکز و تاکید بر آموزش اشتغال محور زنان

۵. عدم الگو پذیری از سیاست های تمدن غرب در زمینه نقش آفرینی زنان
۶. ارتقای آگاهی و دسترسی بیشتر به اطلاعات در رابطه با نقش آفرینی حقیقی زنان

منابع

۱. میرباقری، سید محمد مهدی (۱۳۸۷)، در شناخت غرب، قم، کتاب فردا.
۲. شفیعی سروستانی، اسماعیل (۱۳۹۲)، تفکر، فرهنگ و ادب، تمدن، نشر هلال.
۳. طاهری، حبیب الله (۱۳۶۹)، انقلاب و ریشه ها، سازمان تبلیغات اسلامی، ص ۱۵.
۴. عمید زنجانی، عباسعلی (۱۳۶۸)، انقلاب اسلامی و ریشه های آن، تهران، انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، چاپ دوم، ص ۷۱.
۵. ویل دورانت (۱۳۶۵)، بررسی تاریخ تمدن، ترجمه احمد بطحایی و دیگران، تهران، سازمان انتشارات انقلاب اسلامی، ص ۱۶۵
۶. شریعتی، علی، (۱۳۸۹)، تاریخ تمدن، تهران، نشر قلم، ج ۱، ص ۵
۷. مطهری، مرتضی (۱۳۶۹) فلسفه تاریخ، تهران، انتشارات صدرا، ج ۱، ص ۱۴
۸. قرآن کریم، سوره توبه، (۹) ۷۱
۹. حر عاملی، محمد بن حسن، تفصیل وسائل الشیعه الی تحصیل مسائل الشیعه، ج ۱۶، ص ۳۳۶
۱۰. زیبایی نژاد، محمد رضا (۱۳۸۸)، «اشتغال زنان، عوامل، پیامد، رویکردها از نگاه مدیریت اجتماعی»، دفتر مطالعات و تحقیقات زنان
۱۱. بیانات مقام معظم رهبری در جمع زنان خوزستان در تاریخ ۲۰/۱۲/۱۳۷۵
۱۲. پیروزمند، علیرضا (۱۳۹۰)، «مقاله تکامل گرایی در مسئولیت اجتماعی زنان از منظر اسلام»، مجموعه مقالات سومین نشست اندیشه های راهبردی زن و خانواده، جلد ۱، ص ۲۲۰-۲۲۴
۱۳. میرباقری، سید محمد مهدی (۱۳۸۷)، در شناخت غرب، قم، کتاب فردا
۱۴. پیروزمند، علیرضا (۱۳۹۰)، «مقاله تکامل گرایی در مسئولیت اجتماعی زنان از منظر اسلام»، مجموعه مقالات سومین نشست اندیشه های راهبردی زن و خانواده، جلد ۱، ص ۲۲۰-۲۲۴
- بیانات مقام معظم رهبری در دیدار با خواهران طلبه و فرهنگی قم، ۱۳۷۴ /۹/۱۸

- ر.ک: نیک منش، ابراهیم، الگوی مفهومی خانواده پیش نیاز نقشه اسلامی ایرانی پیشرفت، مجموعه مقالات نشست راهبردی زن و خانواده ص ۷۵۰-۷۸۶
۱۵. امام خمینی، روح الله، (۱۳۷۶)، تبیان دفتر هشتم: جایگاه زن در اندیشه امام خمینی (ره)، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی رحمه الله، چاپ چهارم، ص ۱۷۱
۱۶. امام خمینی، روح الله، (۱۳۷۶)، تبیان دفتر هشتم: جایگاه زن در اندیشه امام خمینی (ره)، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی رحمه الله، چاپ چهارم، ص ۱۶۹
۱۷. امام خمینی، روح الله، (۱۳۷۶)، تبیان دفتر هشتم: جایگاه زن در اندیشه امام خمینی (ره)، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی رحمه الله، چاپ چهارم، ص ۱۶۹
۱۸. بیانات مقام معظم رهبری در سومین نشست راهبردی زن و خانواده، ۱۴/۱۰/۱۳۹۰.
۱۹. بیانات مقام معظم رهبری در دیدار با جمعی از بانوان، ۲۱/۱۲/۱۳۶۳.
۲۰. مهدی زاده، حسین، (۱۳۸۸)، کلیاتی پیرامون فلسفه شدن، فرهنگستان علوم اسلامی قم، ص ۷۸
۲۱. مهدی زاده، حسین، (۱۳۸۸)، کلیاتی پیرامون فلسفه شدن، فرهنگستان علوم اسلامی قم، ص ۷۹
۲۲. بیانات مقام معظم رهبری در تاریخ ۱۹/۹/۱۳۹۲
۲۳. رضایی، عبدالعلی (۱۳۹۱)، مهندسی تمدن اسلامی، کتاب فردا، ص ۶۷-۱۷۴
۲۴. سیف، علی اکبر، روان شناسی پرورشی، تهران، آگاه، ۱۳۸۵، چاپ شانزدهم، ص ۳۴۸
25. Hollyforde Sarah , Whiddett Steve (2002) Motivation Handbook, CIPD Publishing
۲۶. مهدی زاده، حسین، (۱۳۹۳)، بینش تمدنی منظومه اعتقادات اجتماعی، قم، کتاب فردا، ص ۱۵۹
۲۷. مطهری، مرتضی (۱۳۷۷)، کلیات علوم اسلامی جلد ۱ (منطق - فلسفه)، تهران، انتشارات صدرا، ص ۴۸
۲۸. مطهری، مرتضی (۱۳۷۷)، کلیات علوم اسلامی جلد ۱ (منطق - فلسفه)، تهران، انتشارات صدرا، ص ۵۷.
۲۹. جعفری، شرحی بر نهج البلاغه، ج ۱۶، ص ۱۵۱-۱۵۲
۳۰. رضایی، عبدالعلی (۱۳۹۱)، مهندسی تمدن اسلامی، کتاب فردا، ص ۱۷۱-۱۹۰
۳۱. رضایی، عبدالعلی (۱۳۹۱)، مهندسی تمدن اسلامی، کتاب فردا، ص ۹۰
۳۲. امام خمینی، روح الله، (۱۳۷۶)، صحیفه نور، جلد ۵، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.